



انتشارات
GOLDESTANEH
Cultural
Magazine

پرونده

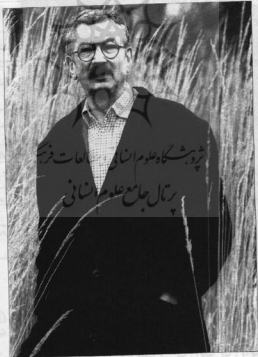
• الهام مقدس

ستارگانی در آسمان

آن سوی

دیوار

بررسی ادبیات آلمان شرقی پیش از فروپاشی تا امروز



شیرین شاکه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

The 2005

بانک برتر

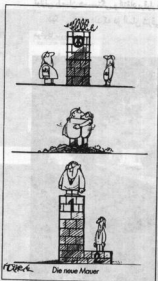
پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ برای بسیاری از نویسندگان آلمانی زبان به معنی پایان دوران وحشت و اختلالی بود که از ۱۹۳۳ یعنی پس از به قدرت رسیدن هیتلر درگیر آن بودند. سال‌هایی که کتاب سوران و تبعید کارلوس برای ادیبان آلمان شده بود. ۲۵۰ نویسنده از یک نسل یا مجبور به سکوت شدند و یا کشورشان را ترک کردند. نظرات و موقعیت اجتماعی این نویسندگان با هم متفاوت بوده و تنها نقطه اشتراکشان مخالفت با هیتلر و نازیسم بود. برخی از این نویسندگان خواه از کنار کشیدند و سکوت اختیار کردند. تعدادی به فعالیت سیاسی در خارج از مرزهای آلمان پرداختند. برخی از آنان خودکشی کردند و بقیه کلیه نوشته‌های خود را به خدمت برای تبلیغات ضدفاشیستی اختصاص دادند. و حال پس از گذشت این دوران اینک زمان آن شده بود تا این نویسندگان هر یک بر عقیده و مشی خود برای این‌که در کدام بخش آلمان می‌خواهند زندگی کنند تصمیم بگیرند. در این زمان در آلمان دو شاخه از ادیبان به وجود آمد که هر یک جداگانه مسیر و راه خود را در پیش گرفت. یکی ادیبان در آلمان فدران BRD (منطقه اشغالی آمریکا و فرانسه) و دیگری ادیبان در جمهوری دموکراتیک آلمان DDR (منطقه تحت اشغال اتحاد جماهیر شوروی) در کشورهای کمونیستی ادیبان و سیاست رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و در همین راستا ادیبان آلمان شرقی نیز مراحل مختلفی را پشت سر نهادند.

۱- ۱۹۴۹-۱۹۴۵ مرحله نوسازی ادیبان دموکراتیک و ضدفاشیسم

پلافاصله پس از سقوط نازیسم آلمان فدرال به معنای دموکراسی و انسان‌گرایی (نه کمونیسم) از نو نس می‌گرفت. سیاست کار در این بود که یک جبهه ملی از نیروهای ضدفاشیسم شکل گیرد و به‌عنوان مواد آموزشی متون آلمانی کلاسیک عایبه - انسان‌گرایانه تبلیغ می‌شد و این تلاش به عمل آمد تا بسیاری از نویسندگان مشهوری را که ترک وطن کرده بودند به آلمان شرقی دعوت کنند. نویسندگانی چون برشته توماسی و هاینریش مان (هاینریش مان برای اداره نخستین وزارت فرهنگ تازه بنیان‌گذاری شده DDR پیشنهاد شده بود اما در آمریکا درگذشت). آناگرس و آرنولد تسواایگ.

۲- از ۱۹۴۹ تا پایان سیاست جبهه ملی ضدفاشیسم و آغاز نالیسم سوسیالیسم.

جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی بنیان‌گذاری شد. ارتش ملی مردمی تشکیل شد و سازندگی سوسیالیسم طبق برنامه در دستور کار قرار گرفت. از طرف دیگر حزب سوسیالیستی اتحاد آلمان (SED) ادیبانی درخواست شد که در خدمت اهداف سوسیالیسم و بنیان حزب سوسیالیستی باشد. هیچ تجربه مدرن و فرم‌گویی صورت نمی‌گرفت و به خوانندگان، شخصیت‌های هویت‌یافته و قهرمانان



- ۱۹۴۵ پایان جنگ جهانی دوم
- ۱۹۴۸ بلوکه شدن برلین غربی و آغاز بازسازی
- آلمان غربی به کمک طرح مارشال تا ۱۹۵۲
- ۱۹۴۹ بنیان‌گذاری BRD (جمهوری فدرال آلمان) و DDR (جمهوری دموکراتیک آلمان)
- ۱۹۶۱ آغاز ساخت دیوار در برلین
- ۱۹۸۹ فروپاشی حکومت آلمان شرقی
- ۱۹۹۰ اتحاد دو آلمان
- ۱۹۹۱ پیمان ماستریخ (پیش‌بینی اتحاد دولت‌های اروپایی و پول واحد اروپا)

طبقه کارگر اراده می‌شد. این مفهوم تحت‌عنوان رئالیسم سوسیالیسم برگزیده شده بود. در چنین ادبیات سازندگی، قهرمانان دنیای کار به هنگام تلاش و یافتن مهارت در برخورد با دشواری‌های وظایف، تولیدی‌شان و در نوسازی صنایع و کشاورزی و همچنین هنگام افشای دشمنان طبقه خود نشان داده می‌شدند.

کنفرانس هیترفلده در ۱۹۵۹ یک‌کام دیگر به جلو بود. در این کنفرانس برنامه فرهنگی کاملی تصویب شد که درآمدهای هیترفلده نامیده شد. در این برنامه از نویسندگان دعوت می‌شد تا به کارخانه‌ها بروند و در آن‌جا با وضعیت طبقه کارگر به صورت عملی آشنا شوند و از کارگران نیز درخواست می‌شد تا به تشریح زندگی روزمره کمابیش قهرمانانه خود در دفترچه‌های خاطرات بریکانه بپردازند. ۳. از ۱۹۶۱ وروده به زندگی روزمره

مرحله سازندگی سوسیالیسم شامه یافته در نظر گرفته شد و حال زندگی روزمره سوسیالیستی باید به سرانجام می‌رسید که خود را با سوسیالیسم رئال، تطبیق دهد. این ادبیات به قهرمانانی نیاز داشت که در وضعیت‌های متفاوت بی‌وقفه تا رحمت تمام و کمال به خودکامی سوسیالیسم تلاش کنند. و از من تا ماه اینک به صورت یک شعار طنین می‌افکند. در این چارچوب از پیش تعیین شده برای نویسندگان، طرز فکر مذهبیت انتقادی، گسترش می‌یافت اگر نویسندگانی به انتقاد از عیوب و اشکال فرصتطلبی بی‌فرهنگی و سازش می‌پرداخت به منع قلم محکوم می‌شد.

از میان آثار ادبی به وجود آمده در این دوره می‌توان به آسمان تقسیم شده ۱۹۶۳ و تأمل در مورد کریستانت ۱۹۶۸ اثر کریستا ولفه رنج‌های تازه ۳۳ جوان (۱۹۶۸-۱۹۷۲) اثر اولریش پلنترز دورف و الاغ بوردان ۱۹۶۸ اثر گونتر گوبروین اشاره کرد. ۴. از ۱۹۷۱ تمرکز بر موجودیت فردیت گسترده همه‌جانبه

در هشتمین اجلاس SED ای. هونگر چلشین و. اولبرشت شد و تشکیل جامعه پیشرفته سوسیالیستی را به اطلاع همگان رسانید. تصحیح خط مشی اولبرشت (تولید انبوه و برنامه‌ریزی کلی) پیامد آن بود که استقلال و مسئولیت مشخصی را در روند کار طلب می‌کرد. ادبیات از این پس بر روی موجودیت فردیت گسترده همه‌جانبه متمرکز شد. و از انتقاد بر بروکسی سوسیالیسم صرف نظر نکرد. آثار منتشر شده در این دوره: داستان ناتمام ۱۹۷۵ فولکر برلون سال‌های معجزه‌ها ۱۹۷۶ راینر کوننسی گمرهای مسئولین ۱۹۷۲ و روزهای بی‌خوابی ۱۹۷۸ یورگ بکر

سلب تابعیت ولفگانگ بیرمان، توله‌سرا در نوامبر ۱۹۷۶ مخالفت علنی بسیاری از نویسندگان آلمان شرقی را علیه سیاست فرهنگی برانگیخت و منجر به کناره‌گیری بسیاری از حزب و اتحادیه نویسندگان شد. کوچ هنرمندان آلمان شرقی همچون یورگ بکر، سارا کیرش، کوئتر کونرت، اریش لوست، آرمین سولرشتال و نینا هاگن آغاز شد. سایرین در کشور ماندند و با دشواری کوشیدند تا توافقی را میان همبستگی و انتقاد برقرار سازند. مانند کریستا ولفه، فولکر برلون و اولریش پلنترز دورف. دیگری هم بودند که در آلمان شرقی زندگی کردند و آثارشان را با مشکلات بسیار در غرب منتشر کردند مانند استفان هیوم و مونیکا مارون.



ادبیات نوینی آلمان شرقی

جمهوری دموکراتیک آلمان مرده است

و بازنده‌یاد جمهوری دموکراتیک آلمان!

پس از گذشت پانزده سال به نظر می‌رسید که ادبیات DDR

همراه این سرزمین مطالعه از میان رفته است.

مشهورترین نویسندگانش که مدت‌ها در غرب

از آن‌ها به‌عنوان گران‌دیش یا شور و اشتیاقی استقبال می‌شد

و از آن‌ها تحویل به عمل می‌آمد.

مدت‌ها بعد به‌عنوان شرکای جرم حکومت خودکامه،

سایه شرم و شمالت تلقی شده و از نظر هانا پدید شدند.

حال زندگی جدیدی در ویرانه‌ها شکوفا می‌شود.

این روند که با فیلم «خیابان‌های آنتانی» آغاز شد

و با محبوبیت «بچه‌های ناخیم» اثر یانا هسل دنبال گردید

به وضوح خبر از یک انقلاب می‌دهد.

و موفقیت «سینمای فراموش‌شده‌ها حافظ» لنین،

بر این تغییر و حرکتی سیمه می‌گذارد.

جمهوری دموکراتیک آلمان باز موضوع ناز‌های شده

و خاطرات «نسل وار تپورگ» خواهان فراوان یافته

اما این همه چه اهمیتی برای ادبیات دارد؟

سیر مختصری در ادبیات نوین جمهوری دموکراتیک آلمان: سابق

بازهم این داستان پایان خوشی می‌یابد؟ دوست داریم این را باور کنیم. چه

کسی ده سال قبل پیش‌بینی می‌کرد که در سال نو - ۲۰۰۴ - زمان جدید

کریستوف هاین نویسنده آلمان شرقی سابق (که مسلماً به‌خاطر طغز

کتاب «آمیزش شایسته توریک و تهنیت بود) در برلین پایتخت متحد توسط

رچارد فون وینس زکر رئیس جمهور آلمان فدرال سابق و در مونیخ به وسیله

رئیس سابق دادگاه قانون اساسی فدرال که اکنون رئیس استیتو گوته است یعنی

یوتالیام باخ معرفی شود حتی اگر این پیش‌بینی فراتر شایسته را به‌عنوان

مجری عرصه کسرمه این کتاب در نظر گرفته. به آلمان فراتر از مونیخ که

قبلاً به‌عنوان رئیس نشریه FAZ به همراه سرهبره امپری نشریه «تول» لوریش

گردید. همان به اصطلاح بحث ادبی آلمانی - آلمانی را صحنه‌آرایی کرده بود و

ضمن آن معروفترین نویسندگان آلمان شرقی را به‌عنوان ادیب حکومتی رسوا

ساخته بود.

و اکنون آیا این آشتی حقیقی غیرقابل قبول نیست؟ یا اقدام فرهنگی دولت

متحد است برای سپاس از ادبیات متحد؟ نباید فکر به کرد اما سیر «تصعب

شوپر.

سزایی که در نمایشنامه «پایان کره» یوتو لشرلوس از طرف یک ساکن برلین

غربی برای زوجی ساکن آلمان شرقی مطرح شد چنین بود: شما که اصلاً از

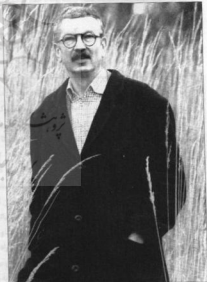


تقدیر سوسیالیسم

قبل از اتحاد



بعد از اتحاد

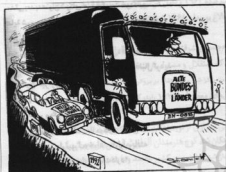


کریستوف هاین

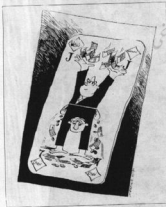
تشخیص داده شد و بعد در جریان بحثها از درون فروپاشید. طوری که دیگر کسی نمی‌دانست با بقایای آن چه باید کرد. در حالی که سیاستمداران پیش از انتخابات جدیدشان از سرزمین شکوفای مطالعه تعریف و تمجید می‌کردند، انتشاراتی‌های آلمان شرقی مانند Volk & Welt و Aufbau منحل شدند. تصاویر جان گرشام و استفن کینگ بر ویترین کتابفروشی‌ها سایه افکندند و شخصیت‌های گالیوری احتمالاً خدمت بهتری به آلمان شرقی می‌کردند. و قطعاً همان‌گونه که به نظر می‌رسید.

□ *آلمان شرقی چگونه فروپاشید؟*

لوریس گرابر در نوامبر ۱۹۹۰ در زیر لوای این شعار که هر کس تعیین کند چه کسی بود تعیین می‌کند که چه کسی خواهد بود به مفهوم خشونت‌ناک چالش با نوسندگان حکومتی رتال سوسیالیست وحدت بخشید. یک سال پس از این، دیگر کسی به وضوح این تغییرات را به شوخی می‌گرفت، زیرا در این بین به شکلی کلی با ادبیات و مسائل ادبی برخورد شد: ادبیات آلمان متحد می‌ایست راه خود را از گذشته تاریک و تهدیدآمیز بدون گریانه حامی قدرت در دو دیکتاتوری ادبی آلمان قرن بیستم، به سوی آینده‌های رها از ایدئولوژی بیابد. آنچه به عنوان بحث بر سر زمان منتشر شده در ژوئن ۱۹۹۰ کریستا ولف با نام چه می‌ماند آغاز شده بود. خوداً شیء ماند با نقاشی در توسعه ادبی در بخش آلمان تکمیل شد.



در این جا می‌پسیند که نظریهٔ زیبایی‌شناسی ویرگی غالب در نهادهای ادبیات آلمانی همان‌گونه که در DDR بود در BRD نیز وجود داشت. تنها نوسندگانی چون کریستا ولف و یولکر برولون نبودند که یک سال پس از دوران گذار با نظریه زیبایی‌شناسی برخورد کردند و هنر، شخص و اخلاق را مانع هنری جدایی‌ناپذیر دانستند. هاینریش بل و گوتتر گراس نیز جزو این نوسندگان به‌شمار می‌آیند. البته با یک تفاوت مهم: در خلال این بحث و مناظره در مدتی که ادبیات آلمان غربی روی جلدسازی ادبی، سیاسی نسل جبهه نشانه گرفته بود، نوسندگان اصلاح‌طلب سوسیالیست با این اتهام روبرو شدند که خود را با اقامهٔ دموکراسی‌شان برای یک سوسیالیسم با چهره‌ای انسانی، به شوکای جرم حکومت سرکامشان تبدیل کرده‌اند. تنها ادیبان حکومتی واقعی مانند هرمان کانت و یا لریک نوبچ هدف فرار گرفته تصدند. بلکه نوسندگان نوگرای میانرو که یا



Wessli

Ossi

خودتان به‌رون نامده‌ام‌ها دیگر نباید بی‌حسب‌شاد باشد؛ این زوج که آمده‌ای کمی ناخوش با زاکت بسته به کمر آبی مایل به خاکستری توصیف شده‌اند پاسخ داده بودند. هجر! ما بسیار خوشحالیم، همچنین از بحث و گفتگو با شما خوشحالیم! اما عملاً تاجایی که به مسئله ادبیات آلمان شرقی مربوط می‌شد در دنیای واقعی خبری نبود. برعکس، نشریات جمهوری فدرال همچون محکمه‌ای برای بحث بر سر ارزش‌گذاری نهایی ادبیات آلمان شرقی لوج و ترفی غیرمنتظره‌ای را تجربه کردند و بعد در تشامه‌ای بخش مرکزی رسیدگی به دعای مربوط به مفهوم تاریخ مشترک با جمهوری دموکراتیک آلمان که از نظر ایدئولوژی منحل شده بود، محو شدند.

در این جا می‌پسیند که نظریهٔ زیبایی‌شناسی ویرگی غالب در نهادهای ادبیات آلمانی همان‌گونه که در DDR بود در BRD نیز وجود داشت. تنها نوسندگانی چون کریستا ولف و یولکر برولون نبودند که یک سال پس از دوران گذار با نظریه زیبایی‌شناسی برخورد کردند و هنر، شخص و اخلاق را مانع هنری جدایی‌ناپذیر دانستند. هاینریش بل و گوتتر گراس نیز جزو این نوسندگان به‌شمار می‌آیند. البته با یک تفاوت مهم: در خلال این بحث و مناظره در مدتی که ادبیات آلمان غربی روی جلدسازی ادبی، سیاسی نسل جبهه نشانه گرفته بود، نوسندگان اصلاح‌طلب سوسیالیست با این اتهام روبرو شدند که خود را با اقامهٔ دموکراسی‌شان برای یک سوسیالیسم با چهره‌ای انسانی، به شوکای جرم حکومت سرکامشان تبدیل کرده‌اند. تنها ادیبان حکومتی واقعی مانند هرمان کانت و یا لریک نوبچ هدف فرار گرفته تصدند. بلکه نوسندگان نوگرای میانرو که یا

یورش‌های عمومی - استاسی‌شان براساس فرديت، دنیا و تاریخ در نزد سخن‌پسندان ۱۹۵۰-۱۹۶۰ در غرب با لقیال نویزنده مواجه شده و دست آخر مغفرت به دریافت مهم‌ترین جوایز ادبی را تصاحب کردند هدف این حمله قرار گرفته بودند. اگر کریستا ولف و لشتان هیوم پس از ملاقات نوسندگان آلمان غربی و شرقی به خود ابراهه سخنرانی می‌دادند باید همان جایی می‌ماندند که عرب‌ائی گذاشت. چون دلاخبره این ظهور ناگهانی و غیرمنتظره یک حضور مردهی در طرحی ادبی سه‌سلی محسوب نمی‌شد که روشنفکران غربی بیست‌سدهن خود را از دشواری‌های آن رها کرده بودند، بلکه شکایتی بود علیه دنیای ناپه‌نچار و طرحی مطابق با زیبایی‌شناسی در پی خود داشت.

به این ترتیب ادبیات پیشرو آلمان شرقی در پایان محاکمهٔ نشریات کاملاً شبیه به ده‌کاخ جمهوری برلین سرپا ایستاد. در ظاهر هنوز موجود بود، کتاب‌ها هنوز وجود داشتند اما داخل آن حیطة عمل زیبایی‌شناسانه ابتدا آورده